آموزش نسخه‌شناسی
و
فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی

قدرت الله پیشنمازاده

دو سه سالی هفته‌ای یکی دو جلسه تحت عنوان کتاب‌شناسی نسخه‌های خطی در پای صحبت استاد شادروان محمدتقی دانش پژوه می‌نشستم که نتیجه آن فهرست راهنمای نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک گردید که قسمتی از آن به چاپ رسیده است.

این نوشته براساس یادداشت‌ها و نوشته‌ها و گفتارهای استاد دانش پژوه تهیه شده و برخی از منابع و مراجع دیگر نیز مطالعه و مراجعه شده است. یاد کردن از دانش پژوه «یاد یادآوران» است، چرا که ایشان در تمامی سطور نوشته‌های خویش تلاش بر یاد کتاب‌ها و نوشته‌های پیشینیان فرهنگی این مرز و بوم داشت. و از پروردگار سپاسگزارم که همواره از راهنمایی‌ها و آموزش‌های عالمانه جناب آقای ایرج افشار به قدر استعداد خویش بهره می‌برم.



اندکی درباره تاریخچه فهرست نگاری

دانش شناساندن کتاب‌ها، در نوشته‌ها و یادداشت‌ها و دفترها و کتاب‌های نویسندگان از دیرباز رایج بوده و دانشمندان بیش ازپیش با خواندن این گونه آثار و با آگاهی از این گفتارها سود فراوان می‌برده‌اند.

فهرست نگارش‌های افلاطون که دانشمندان از آن بهره می‌بردند و بدان می‌پرداختند یکی از فهرست‌های کهن می‌باشد. نوشته‌های افلاطون که به چهار تایی و یا پنج بخش سه تایی «بخش» کرده‌اند. تراسولوس Thrasyile رودسی ستاره شناس نامور یونانی (۳۶م) آنها را به چهارتایی «رابوع» بخش کرده است.[۱]

ابن‌الندیم و قفطی آورده‌اند[۲] که ثاؤن ریاضی دان سده دوم گفته است: افلاطون نگارش‌های خود را چهار به چهار (رابوع) بخش می‌کرد. برای هر مرتبه چهار کتاب معین نموده است. خزرجی[۳] که چهل و پنج نگارش از افلاطون می‌شمرد به فهرست رابوع تراسولوس نزدیک است.

استاد دانش پژوه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران در توصیف نسخه‌ای از آداب ارسطو آورده است: از نگارش‌های ارسطو سه فهرست در دست است: یکی «دیوگنوس لائرسیوس» دوم از گمنام. گویا از «هسوخیوس ملیتوسی» قفطی و خزرجی که از بطلمیوس رو می‌گرفته‌اند درباره این سه فهرست در Homelin ...² Lesystemed'Aristote ص ۱۳-۱۷ بررسی شده است.[۴]

دربارهٔ نشر کتابهای ارسطو هم استاد دانش پژوه آورده است: در جغرافیای استرابون و نیز زندگی مردان نامور پلوتارخوس داستان نگارش‌های ارسطو و نامه‌نگاری او با اسکندر درباره نشر کتاب‌های سماعی در میان تودهٔ مردم آمده است.[۵]

جالینوس نیز برای نگارش‌های خود دو فهرست نوشت: یکی در دو گفتار و در ۲۷ فصل که نخست از کتاب‌های پزشکی آورده و در دومی فلسفی و ادبی یاد نموده است.[۶] ابن‌الندیم در کتاب الفهرست خود نگارش‌های جالینوس را فینکس یا بینکس خوانده است. در عیون‌الانباء هم با این نام بر می‌خوریم.[۷]

در عیون‌الانباء آمده است که حنین بن‌اسحاق دفتری دارد به نام کتاب فیما یقرء قبل کتب افلاطون و دفتری دربارهٔ نگارش‌های ترجمهٔ نشده جالینوس و نگارش‌هایی که جالینوس در فهرست خود یاد ننموده تحت عنوان «کتاب فی مراتب قرائهٔ جالینوس» که در آن روش خواندن کتاب‌های جالینوس آمده است. برای نگارش‌های بقراط هم فهرست نوشت و روشن کرد کدام از خود اوست و کدام را به او نسبت داده‌اند. به نام کتاب فی کتب أبقراط الصحیحة و غیرالصحیحة که حنین بن‌اسحاق هم آورده است.[۸]

سرگذشت نویسان یونانی مانند دیوگنوس و فرفوریوس[۹] که نگارش‌های فیلسوفان باختری را فهرست کرده‌اند، حنین بن‌اسحاق، ابوسلیمان سگزی، ابن‌الندیم و بیهقی و قفطی و

خزرجی از آنها پیروی کرده‌اند. حنین بن اسحاق می گوید:[10] نویسندگان گاهی از روی نادانی یا برای این که بگویند ما بسیاری از نگارش های جالینوس را داریم، دفترهایی از آن او نشان می دهند که دیگران پیش از او به آن پرداختند یا کسی از نوشته های او گزین نمود یا از جُنگی دارای چندین گفتار که نخستین آنها از او بوده است، دیده شده و آنان نتوانستند آنها را از هم باز شناسند. هم او کتاب هایی را که به سبک و شیوهٔ جالینوس نیست فهرست کرد. و نیز آن چه را که ترجمه شده و پاره‌ای که نشده برای علی بن یحیی ستاره شناس سیاهه داد و گفتاری دارد که در آن کتاب هایی که در فهرست نگارش های جالینوس نیامده نشان داده است و خزرجی از روی همه این ها فهرست کتاب های جالینوس را نوشت.[11]

استاد دانش پژوه می نویسد: متن فهرست نخستین جالینوس و پارهٔ بازماندهٔ از دومین فهرست، نخستین بار در ونتکیا به سال ۱۵۲۵ جزء دورهٔ نگارش های او به چاپ رسید.

فهرستی که حنین بن اسحاق (Johannitius - ۸۰۹-۸۷۳) نوشته به نام «ترجمه های سریانی و تازی نگارش های جالینوس» از روی نسخه استامبول با ترجمه .Bergstrasser G در Anhanlungen furdie Kunde de morgenl andes ج ۱۷ و ۱۹ به سال های ۳۲-۱۹۲۵ چاپ شده است. در آن آگاهی هایی از نگارش های ابقراط هم هست.

فهرست دیگری از نگارش های جالینوس در ۱۴۸۳ به نام بخش و رده‌بندی و شماره نگارش های جالینوس به چاپ رسید که از کهن ترین فهرست های چاپ شده می باشد.[12-13]

از کهن ترین فهرست های چاپی، دو فهرست یاد گردید که از de Gennad , Saintjerom که در ۱۴۶۷ از چاپ درآمد از فهرست یا سیاهه‌ای مربوط به نهم میلادی که آن هم سرگذشت نامه قدیسان و پاکان بوده و در دیر Saint Gall گذاردند.[14]

از فهرست های کهنی که در اسلام یاد گردیده است، فهرست کتابخانهٔ مأمون عباسی است که مشکویه رازی در داستان جاویدان خرد آورده است. حسن سهل گفت: یک روز مأمون گفت: از کتب کدام اختیار است؟ ومن کتب برمی شمردم تا به تفسیر قرآن رسیدم و گفت کلام خدای با هیچ چیز مشابهت نکنند و هم چنین کتب عجم یاد می کردم، تا نام جاودان خرد بردم. «فهرست کتبخانه» بخواست و تأمل کرد و ذکر این کتاب نیافت».[15] ابن الندیم از دفتر کهنی در گنجینه مأمون نیز یاد می نماید.[16]

از داعی باطنیان، شیخ عبدان که ستاره شناس و داماد و جانشین حمدان قرمط بوده که فهرستی برای نگارشهای خود ساخته نیز از کهن ترین فهرست ها یاد کرده‌اند. «گفته که وی چندین دفتر ساخته و از میان همانندان خویش بیشترین نگارش را دارد. ولی بیشتر آن را دیگران نوشته و به او نسبت داده‌اند.[17] گویا بیشترش در سفینه خواجه طوسی مانده است.[18] تاریخ الکتب ابوالحسن علی ابن الکوفی (۲۵۴-۳۴۸) را هم نباید از یاد برد که همانند آن همان الفهرست ابن الندیم است که تاریخ هم هست.[19]

فهرست کتابخانه بیت الکتب ری که از آن صاحب بن العباد طالقانی بوده است. دانش پژوه از معجم الادباء چاپ اروپا، ج ۲، ص ۳۱۵ آورده است: «کتاب های آن به اندازه چهارصد یا هفتصد بار شتر می شده است و ۱۱۷ هزار نسخه گرانبها در آن جا بود. محمود سبکتکین (۳۸۸-۴۲۱) هنگامی که به ری رسید بود گفته‌اند که در آن جا نگارش های رافضیان و بدعت گذاران هست، او هم هر چه دفترهای کلامی در آن جا بود بیرون آورد و دستور داد بسوزانند و ابوالحسن علی زید بیهقی (۵۶۵ م) می گوید که من آن جا را پس از سوزاندن محمود دیدم، فهرست آن به ده مجلد می رسید.»[20]

و دیگر فهرست کتابخانه فناخسرو بویه‌ای (۳۳۸-۳۷۲) در شیراز که مقدسی آورده که «این کتابخانه حجره جداگانه‌ای ست و گماشته و گنجور و بازرس از نکوکاران شهر در آنجایند و کتابی نوشته نشده تا این هنگام در آن جا نباشد. این حجره دالان درازی است در یک صفحه بزرگ در آن از هر سو گنجینه هایی (خزاین) است و به همه دیوارهای دالان و گنجینه خانه ها یا اشکافهایی که از چوب آراسته و نگارین به درازی یک قامت و به پهنای سه ارش چسبانده‌اند که هر یک را دری است که از بالا به پایین می آید و دفاتر روی رف ها چیده و گذارده شده است و برای هر گونه از آن دفترها خانه هایی است و فهرست هایی که نام گمنام در آن آمده است.»[21]

تا این جا از چند سرچشمه بنیادی برای آشنایی با تاریخچه فهرست نگاری یاد گردیده است و از نوشته‌های تاریخی هم چون تاریخ یعقوبی و ابن خلکان و یاقوت حموی و شهرزوری و مانند این ها در تاریخ اندیشه‌های فلسفی و دینی و علمی وادبی بهره بسیار می توان در این رسته برد. و نگارش های ابن الندیم و شیخ طوسی و نجاشی و معالم العلمای ابن شهرآشوب و فهرست منتجب الدین رازی و فهرست مولی عبدالله افندی اصفهانی و فهرست نگارش علامه مجلسی در مقدمه بحارالانوار و فهرست ابن طاووس و علامه حلی و مشیخه‌ها و برنامه‌های محدثان و اجازه نامه‌ها که از دانشمندان اسلامی بجا مانده، راهنمای خوبی است برای دستیابی و بهره‌وری از این دانش و در موضوع فهرست گوناگون و نیز سرچشمه هایی که یک فهرست نگار همواره باید بدان دسترسی داشته باشد، سخن خواهد رفت.

فهرست:

در منابع و فرهنگ ها از فهرست به عنوان نوشته مانندی یاد کرده‌اند که در آن «اسامی کتاب هاست» و یا «شرح و تفصیلی است، در

ابتدای کتاب که در آن اظهار آن چه از باب و فصل در آن کتاب شده بیان کنند و «نوشته را گویند که در آن اسامی کتاب ها باشد» و آورده‌اند که این واژه «فهرست» فارسی است. و در عربی آن را فهرس گویند و در فارسی آن را گاه با فتح و بیشتر با کسر اول ادا می کنند.[۳۲]

و نیز در تعریف فهرست آورده‌اند، واژه فهرست برابر است با «pinax پیناکس» یونانی که از آن لوح و نوشتنی و سیاهه و فهرست خواسته می‌شود. ابن الندیم گوید: «و قد ذکره جالینوس فی فینکس کتبه و معنی هذه اللفظة ثبت الکتب» و خزرجی در سرگذشت جالینوس از «فینکس کتبه» و کتاب «بینکس و هوالفهرست» و «فهرست کتبه المسمی بینکس» یاد می کند. در فرهنگ دوزی و محیط المحیط «فنکش الامتعة» در کالاها جستجو کرد تا چیزی را بیابد.[۳۳]

فهرست را برشماری و توصیف و شناساندن کتاب ها و نسخه دانسته‌اند و به کتاب‌شناسی و سیاهه برداری و فهرست اعلام و فهرست موضوعی نشریات و اسناد و مجموعه ها می شناسند.

کتاب‌شناسی یا بیبلیوگرافی

Bibliographie یا Bibliography یا Bookwriting که در آن به بر شمردن و توصیف و شرح کتاب ها می پردازند، که متعلق به کسی یا کتابخانه ای نمی باشد در آن سرگذشت یا شناساندن کتاب به طور کلی می‌باشد. در کتاب‌شناسی معرفی کتاب در یک موضوع که در یک زمان معین چاپ شده انجام می پذیرد.

استاد ایرج افشار می نویسد: در سال های اخیر آن را (کتاب‌شناسی) نخستین بار در سال ۱۳۳۳ شمسی برای نام فهرست کتاب های چاپی سالانه ایران به کار بردم. پس از چند سال در مراجعه به مجله کاوه ملاحظه شد که سید حسن تقی زاده این اصطلاح را چهل و چند سال پیش در همین مفهوم و معنی به کار برده است.[۳۴]

برشمردن و توصیف کتاب هایی که متعلق به موضوع خاص یا شمردن و نوشتن کتاب ها و نسخه هایی که در یک محل معین موجود است. مانند کتاب های یک کتابخانه، چنانچه بدین روش شمارش و شناسانده شوند که آن را کاتالوگ Catalogue گرفته شده از Kata به معنی سراسر و Logo سیاهه کردن که یک لغت یونانی است به معنای سیاهه کردن است که آن را لیست دستی Handliste هم می خوانند و گاهی هم Liste می خوانند به جز فهرست دستی یا مختصر و سیاهه برداری و فهرست مدلل توصیفی که شرح وصف کتاب و نسخه ها می آید. استاد ایرج افشار می آورد: index که فهرست «اعلام و اماکن» است و نیز Abstract که فهرست تحلیلی و خلاصهٔ موضوعی مقالات مندرج در نشریات ادواری و Repertoire، فهرست اسناد یا مجموعه راهنما نیز به کار می برند.[۳۵]

کتاب

هر گونه نوشته‌ای که مقصودی را برساند یا در آن از موضوعی بحث شود یعنی اوراق مجلد یا مابین الدفتین و یا یک طومار و کتیبه و سنگ و سند و وقف نامه ها و قباله نامه ها و مکاتیب دوستانه و درباری و دیوانی و عارفانه را باید کتاب بنامیم و مشمول قانون فهرست نگاری بدانیم.

کتاب یا متن است یا شرح یا حاشیه یا گزیده و تلخیص و یا بسط و ذیل و مقدمه. باز هم کتاب یا تفصیل است یا املاء یا تالیف یا جمع آوری و تدوین یادداشت ها و یادگارها و خطوط به شکل مرقع و اجازات و رسائل و مطالب پراکنده در یک جنگ یا مجموعه و بیاض و کشکول و سفینه.

لذا هر کتاب را نامی خواهد بود و این نام یا به نص مولف در خود کتاب یا به نقل گفته او و به روایت شاگردان یا کاتبان معین می شود یا از آثار دیگر مولف یا از آثار دیگر مشخص می گردد و شاگرد و مورخ نام کتاب را معین می سازد. در بسیاری از نسخه ها در آغاز یا صفحه عنوان و یا انجام یا خاتمة الکتابة یا در میانه نسخه یا در کراسه شماری گوشه ها بالای صفحه ها به کتاب نام داده می شود. گواهی و نامگذاری فهرست نگار هم یکی از مدارک در این زمینه خواهد بود. صحت و اصالت و اعتماد به این مدارک بستگی به نظر محقق و پژوهشگر دارد. اگر کتاب را نامی نباشد باید برحسب موضوع بحث به او نامی داد و اگر کتاب به نام دیگری مشهور شود باید نامی که مولف بدان داده است ملاک قرار داد و نام مشهور را به آن باز گرداند.

نویسنده و مولف کتاب را، نخست باید از نوشته خود وی در متن کتاب شناخت و یا شاگرد و راوی و مستملی و مجاز و مورخ و سرگذشت نگار آن را معین می کند یا این که در نسخه از مولف نام برده شود. روشی که علمای درایة الحدیث مانند نووی، ابن حجر و شهید ثانی در تعیین مولف کتاب یاد کرده‌اند، نیز می توان بهره برد.

چنانچه در دو نسخه از یک کتاب نام دو مولف بیاید باید از روی قراین تاریخی و دقت خاصی مولف آن را شناخت.

تاریخ تالیف کتاب را نخست باید از مولف آن کسب کرد سپس می توان از شاگردانش یا راوی یا مستملی و کاتب نسخه معلوم کرد. راه دیگر این است که از روی قراین تاریخی مندرج در کتاب یا سبک نثر و نظم مولف و شواهد تاریخی دیگر معین کرد و گاهی نویسندگان کتاب را به درخواست یا برای یکی از پادشاهان و بزرگان و وزیران و امیران و استادان و دوستان و شاگردان می نگارند. ذکر این مطلب در فهرست ضروری است و این خود از شواهد خوب تاریخی است. چنانچه مولف کتابی ناشناخته باشد یا تاریخ نگارش آن مشخص نباشد و یا این که با دو مولف مواجه

شویم، می توانیم از این یادآوری سود جوییم. در فهرست نسخه های خطی کتابخانه های ملی و ملک، دانشگاه تهران فهرست نگاران با دقت تمام به بیان آنها می پردازند.[۲۶]

در کتاب ها، نویسندگان در نقل مطالب به ذکر و اسم منابع و مأخذ آن می نمایند، شایسته است فهرست نگار منابع را باز شناسد و به ذکر آنها بپردازد.

از راه های مناسب تشخیص کتاب ناشناخته و ناقص، بیان مباحث و مطالب آن است که چه مباحثی در فصول و ابواب آن می باشد. مطالعه دقیق فصول کتاب کمک بسیاری به فهرست نگار می نماید[۲۷] و شناساندن و استخراج آغاز و انجام کتاب بسیار لازم و مناسب است. و این یکی از اموری است که بدان کتاب را می شناسند. و گاهی در آغاز و انجام نکاتی آمده یا مطالب مهمی است که فهرست نگاران عکسی از آن در فهرست درج می نمایند. استاد دانش پژوه آورده: «یاد کردن آغاز و انجام و فهرست بخش های آن، این کار را گویا ابن الندیم نخستین بار کرده است. او در سرگذشت جاحظ از کتاب الحیوان او یاد کرده است و آغاز و انجام و هفت جزء آن را آورده است. او در سرگذشت اسحق بن ابراهیم موصلی، هم ترتیب اجزای کتاب او را یاد نمود».[۲۸]

این که کتاب به چه زبانی نگارش یافته، چه ترجمه هایی دارد، یا در دو زبان نگارش یافته است باید توسط فهرست نگار ذکر شود. در این خصوص در تفاسیر به خوبی مشهود است. از مطالب مهم دیگر تعیین موضوع کتاب است. معمولاً در گذشته ها دانشمندان هر ملت و فرهنگی به اهمیت موضوعی منطبق با فرهنگ خود می پرداختند، لذا فهرست نگار باید براساس اولویت تقسیم بندی همان زمان به شرح موضوع بپردازد و در کتاب های جدید به کارگیری تقسیم بندی جدید مانعی ندارد و در این جا باید گفت ارزش علمی کتاب و سودمندی آن و اهمیت کتاب و نسخه را هم باید فهرست نگار بنویسد.[۲۹]

یک کتاب شناس لازم است اطلاعات کافی در زمینه اندازه کتاب، روش ها و شکل های نگهداری کتاب در کتابخانه، موضوعات کتاب ها، کتاب های نفیس و مشخصات آن را خوب بداند. ما در این جا به طور کلی به توضیح آن می پردازیم.

اندازه کتاب:

هر چند اندازه کتاب ها را در گذشته از اندازه کاغذ به دست می آوردند که در بحث کاغذ شرح آن خواهد آمد ولی قطع کتاب و اندازه تقریبی آن در منابع و مآخذ چنین آمده است:[۳۰]

بازوبندی ۳۰×۲۰ میلیمتر
بغلی ۴۰×۶۰ میلیمتر
جانمازی ۸۰×۱۲۰ میلیمتر
حمایلی دارای قطر بیشتر از جانمازی و با همان اندازه همان
نیم ربعی ۱۰۰×۱۸۰ میلیمتر
ربعی ۱۲۰×۱۹۰ میلیمتر
وزیری کوچک ۱۲۰×۲۰۰ میلیمتر
وزیری ۱۴۰×۲۲۰ میلیمتر
وزیری بزرگ ۲۰۰×۲۶۰ میلیمتر
خشتی ۱۷۰×۲۱۰ میلیمتر
خشتی باریک ۱۴۰×۲۱۰ میلیمتر
سلطانی یا شاهانه روزگار مغول و تیمور ۳۰۰×۴۰۰ میلیمتر
رحلی کوچک ۱۶۰×۲۷۰ میلیمتر
رحلی ۲۲۰×۳۷۰ میلیمتر
رحلی بزرگ ۳۴۰×۵۸۰ میلیمتر

چنانچه از سرگذشت شیخ الرییس ابوعلی سینا پیداست، کتاب ها در روزگار پیشین در صندوق ها روی هم چیده و در اطاق ها قرار داشت و یا در گنجینه ها و روی رف ها چیده می شد. کتابخانه نوح منصور سامانی (۳۶۶-۳۸۷) در بخارا خانه ای بود دارای اطاق ها و هر یک صندوق هایی روی هم گذارده. در یک اطاق نگارش های ادبی و در دیگری فقه و همچنین در اطاق های دیگر از علمای دیگر و فهرستی داشت که شیخ بدان نگریست و کتاب هایی را که نیاز داشت خواست.

به نوشته مقریزی (۷۶۴-۸۴۵) از روزگار عزیز (۳۴۱-۳۶۵) دانشگاه فاطمیان در قاهره به نام دارالعلم الحکمة در کاخ شاهی بوده و دارای چهل گنجینه که یکی از آنها دارای هجده هزار جلد کتاب از علوم قدیم داشت. گنجینه چندین رف داشت و در یک تالار بزرگ هر رفی دری داشت که بسته می شد و بر هر دری برگی چسباندند که بر روی آن نوشته می شد چه کتاب هایی در آنجا هست و شماره کتاب های ادبی و دینی و فلسفی آنجا با جلد و بی جلد به بیش از دویست هزار رسیده بود و گاهی که صلاح الدین کرد آنجا را گرفت به هزار و ششصد رسید که به فروش رفت حاکم خود در روز شنبه ۱۰ ج ۲ سال ۳۹۵ دانشگاه را بگشود و دستور داد که کتاب های کاخ بدان جا برند.[۳۱]

ابن جماعة بدرالدین محمد کنانی حموی شافعی (۶۳۹-۷۳۳) در تذکرة السامع و المتکلم فی ادب السامع و المتعلم و نیز شهید ثانی به سال ۹۵۴ می نویسد: که کتاب ها را روی هم که می گذارند در روی تختی بچینند یا زیر آن چوبی باشد یا در رفی بنهند، نه این که روی زمین باشد و نم بکشد و فرسوده گردد.

میان کتاب ها و چوب یا تخت و دیوار هم باید چیز دیگری باشد و همچنین روی آنها؛ تا جلد آنها خورده نشود و کتاب ها را بدین گونه: نخست قرآن که بهتر است به دیوار بیاویزند سپس حدیث و

تفسیر و شرح حدیث و اصول دین و اصول فقه و ادب روی هم بچینند و اندازه کوچک باید در روی باشد. اگر کتاب چند جلد است باید در پایان هر یک نوشت که این جلد انجام گرفت پس از آن جلد دیگری است تا پایان کتاب که یاد شود».[۳۳]

کتاب‌های نفیس:

کروزه Le crozet در ص ۸۵ ۳۳ کتاب خود از یک سری کتاب گنجینه‌ای یاد می‌کند که چنین می‌شمارد:

۱- دارای جلد maroqium armorie یا پوست بز که پیراسته و دارای نشانه که همان سختیان باید و گورگانی هم گویند چون از این شهر به دست می‌آید (ترجمهٔ قاموس و برهان قاطع).

۲- کتاب هایی دارای پیکره و تصویر پیش از ۱۸۰۰ م.

۳- مصور بسیار زیبایی پس از تاریخ ۱۸۰۰ م.

۴- چاپ‌های نخستین edition sprinceps.

۵- دارای حاشیه‌های سودمند خطی.

۶- چاپ‌هایی که کمتر از دویست نسخه به چاپ رسیده باشد.

۷- چاپ‌های شهرستان‌های پیش از ۱۸۰۰ (به جز پاریس).

۸- کتاب‌های دارای Exlibris یا مهر و نشانه در کتاب‌های خطی خاوری نسخه‌های اصل یا دارای خط نگارنده یا اجازه او به ابلاغ به خط او یا شاگردش یا دارای خط و اجازه ابلاغ و حاشیه از یک دانشمند و همچنین نسخه‌های یگانه یا بسیار کهن یا دارای خط خوش و آرایش خواه در خط یا در جلد را برای این که گم نشود و ندزدند و فرسوده نگردد و آسیبی بدان نرسد در گنجینه می‌گذارند.

دکتر محسن صبا می‌نویسد: «کتب نفیس و گران قیمت بایستی در محلی نگهداری شود که از خطر دزدی و مفقود شدن و حتی کثرت استعمال دور باشد اگر در کتابخانه اطاق مخصوص نباشد این کتاب را باید در گنجه هایی که در آن نرده باشد محفوظ نگه داشت. قضیه هایی که در آنها بدون منفذ باشد. خوب نیست چرا که کتاب‌ها در اثر محرومیت از هوا خراب خواهند شد».[۳۴]

در میان نسخه‌های خطی نفیس، چنانچه یک صفحه یا دو صفحه از مخطوطات افراد هم بر خواهیم خورد مثل نامه‌ها و یادداشت‌های دیگر باید از این‌ها نیز چون کتاب محافظت کرد. پوشه و جایی در نظر گرفته و مشخصات آن جدا، چون کتاب‌ها یادداشت گردد. دکتر محسن صبا کتاب‌هایی را که قبل از سال ۱۵۰۱ میلادی به چاپ رسیده‌اند در چهار قطع شمرده به ترتیب بیشتر از سی و پنج سانتی متر و کمتر از آن و یا کمتر از بیست و پنج سانتی متر و کمتر از پانزده سانتی متر در گوشه راست صفحه شماره گذاری شود.[۳۵]

تمامی منابع و نویسندگان کتاب‌شناسی در مراقبت از کتاب‌ها که دور از گزند طبیعی و غیر آن باشد تاکید داشته در نگهداری کتاب بحثی آغاز گردید که به چه صورتی در کتابخانه‌ها باشد.

ملویل دیویی Melvil Dewey امریکایی (۱۸۵۱-۱۹۳۱) روشی بنیاد گذارد به نام شماره گذاری کتاب‌ها که به روش دهدهی شهرت دارد و آن اینست که دانش‌ها و هنرها را به ده ده بخش کرده‌اند (۰-۹) و شماره اصلی آنها را به هزار رساند و شماره هر کتابی را از روی موضوع آن نوشت و کتابدار می‌تواند با خواندن آن شماره هر کتاب را بیابد و در آن قرار دهد. روش دیویی در مجامع کتاب مورد بحث و با اعتراض عده‌ای هم مواجه گردید. استاد دانش پژوه در راهنمای کتاب در این خصوص نوشت: پاریس و هاروارد و میشیگان و پرینستون کتابخانه‌های آنها را دیده‌ام، تنها کنگره روش دیویی را به اجراء گذاشته است.[۳۶] البته کروزه در ص ۷۹ و ۱۴۹ و ۷۸ و ۸۱ کتاب manuel du Bibliohtecaire چاپ پاریس به سال ۱۹۳۷ ایراداتی بر این روش برمی‌شمرد:

۱- دانش‌ها و هنرها ده ده بخش نمی‌شود و مانند کم منفصل جدا از هم نبوده و پیوستگی دارند.

۲- این گونه بخش بندی با گسترش دانش‌ها نمی‌سازد.

۳- گاهی هم موضوع کتاب آمیختگی دارد و به سادگی نمی‌توان آن را از یکی از آن بخش‌ها دانست.

۴- پیدا کردن شماره کتاب برای کتابدار و خواننده فرهنگی که دیویی برای شماره‌ها نوشت دشوار و دیری باید در پی آن بیهوده گشت.

۵- شماره کتاب هم گاهی به اندازه‌ای دراز می‌شود که نمی‌توان بیاد سپرد و به آسانی نوشت.

۶- اگر هم بخواهند این روش را در همه جا روا بدارند ناگزیر بایستی دستور آن را دگرگون ساخت.[۳۷]

در هر حال این کارها و روش‌ها با استقبال کتابخانه‌ها و ناشرین روبرو شد. این بحث تا همین جا برای آشنایی و دانستن گذشته کتابداری کفایت می‌نماید چرا که امروزه با راه‌اندازی شبکه‌های رایانه‌ای بسیاری مسائل در این خصوص راهگشایی شده است و حفاظت و حراست از این میراث کهن فرهنگی دقت و نکته‌ها بسیار دارد که آن هم با تلاش و پایمردی فرهنگ دوستان به راحتی انجام می‌پذیرد.

کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی:

در شناساندن نسخه‌های خطی نسخه شناس باید با اطلاع به دانش کتاب‌شناسی به شرح و وصف نسخه بپردازد. نسخه شناس باید با علوم آشنا بوده و کتاب‌ها در علوم گوناگون را از هم بازشناسد. به نوشته استاد دانش پژوه: به طور مثال رمل و جفر را بازشناسد فرق صرف و نحو و نرد و شطرنج را بداند. لازم نیست ادیب باشد اما باید شعرا و ادبا را بشناسد.[۳۸]

در شرح و وصف یک نسخه خطی پس از یافتن اسم کتاب و مولف آن و یافتن تاریخ ساخته شدن و نوشتن آن و مصرفی کاتب و دیگر قواعدی که شرح داده شد باید از نوع کاغذ و با خط و آرایش‌ها و نشانه‌ها و مهرها و جلد را خوب بشناسد.

شادروان دکتر مهدی بیانی نوشته است: توصیف یک نسخه خطی عبارت است از تعیین مشخصات و ممیزات آن به این قرار شماره ترتیب - شماره کتاب - قطع - اندازه نوشته کتاب - شماره صفحات - شماره سطور هر صفحه - نوع کاغذ - نوع خط و کیفیت آن - تزیینات نسخه - تاریخ تحریر کتاب و نام کاتب و جلد کتاب.[۳۹]

کاغذ:

آشنایی و دانستن سرگذشت کاغذ و نیز شناختن انواع آن از اطلاعات ضروری و لازم یک فهرست نگار است. از پوست درختان و لوح‌های آغشته به موم و سنگ و گل پخته، روی و سرب و پارچه و پوست آهو و دیگر چارپایان و کاغذ ساخته از پوست نی کرانه‌های نیل بنام پاپیروس (بردی - دوخ) که واژه Paper-papier از آن گرفته شده، برای نوشتن استفاده می‌شده است. بابلیان روی آجر و چینیان روی کاغذ ساخته از گیاه (حشیش و کلا) می‌نوشتند. کاغذسازی نخستین و صنعت کاغذسازی از چینیان است. که «گویند در ۱۲۳م. تسایلون Tasi.lun وزیر کشاورزی دستور ساختن کاغذ را داد. مکزیکیان باستان از برگ صبر زرد یا عود Aloes و پوست درخت خرما که از پیش آماده‌اش می‌کردند در کاغذسازی به کار می‌بردند. در هند روی مس و سنگ و پرنیان سفید و طومار مصری می‌نوشتند.[۴۰]

نویسندگان هند پیش از سده چهارم میلادی روی پارچه پنبه‌ای نیز می‌نوشتند. مصری‌ها پاپیروس یا بردی به کار می‌بردند و همین نوع کاغذ بود که به یونان رفت. در سده هفتم پیش از میلاد مسیح به گواهی هردوتس و توکودیدس و کسینفون و افلاطون و ارسطو در یونان و ایران به آسانی روی آن می‌نوشتند و یونانیان پوست بز و گوسفند نیز به کار می‌بردند و از دیرباز آنها به کتاب (دفتر) و پوست می‌گفتند و نام «بیبلیا» هم که به کتاب داده‌اند گرفته از نام «بردی» مصر است.

ابن ندیم از نوشتنی‌های گل و چوب و سنگ و مس و برگ توز (درختی است) و پوست پیراسته و پرنیان (حریر) سفید و قرطاس مصری که از نی بردی یا دوخ ساخته شده و طومار مصری و فلنجان (پوست گورخر) یاد می‌کند و می‌گوید که ایرانیان بر پوست گاومیش و گاو و گوسفند و عرب‌ها بر شانه شتر و سنگ سفید نازک و شاخه خرما می‌نوشتند و چینیان روی کاغذ چینی ساخته از گیاه خشک و هندوان روی سنگ و مس و پرنیان سفید می‌نوشتند. و نیز آورده که: ورق خراسانی از کتان است که چینیان به مانند ورق چینی در خراسان ساختند.[۴۱] ابوریحان در ماللهند آورده که نامه پادشاه هند به انوشیروان بر پوست درخت بوده که مسعودی در مروج الذهب نیز بدان اشاره دارد.[۴۲]

ابن خلدون از صناعت وراقت می‌نویسد که در روزگار پیشین به نسخ و تجلید و تصحیح دیوان‌های علمی و سجل‌ها می‌پرداختند. و با گسترش تمدن در عراق و اندلس هنر وراقت رواج یافت. نسخت روی رق می‌نوشتند سپس به دستور فضل پسر یحیی کارخانه کاغذسازی بنیاد گرفت و دانشمندان هم برای امیران نیمه طومار و برای کارکنان و نویسندگان یک سوم و برای بازرگانان و مانند آنها یک چهارم و برای حسابداران و مهندسان یک ششم طومار بوده است.[۴۳]

دکتر بیانی پس از رواج صنعت کاغذسازی در ایران نوشته است: کثرت تالیفات و نشر کتب و توجه به ظرافت و شیوایی نسخ‌های خطی در دورهٔ تیموریان موجب گردید که به صنعت کاغذسازی اعتنای مخصوص بشود. غالب نسخه‌های خطی ایرانی که امروزه در دست است متعلق به زمانی است که از قرن ششم هجری شروع گردیده، لذا آشنایی به کاغذهای مختلف که از آن زمان متداول شده است و هر یک عنوان یا نسبتی خاص دارد، خالی از فایده نیست و با این که شناسایی این کاغذها جز با دیدن هر یک و ممارست در شناختن آنها ممکن نیست. استاد دانش پژوه نیز در شناسایی کاغذ همین نظر را دارند. شاید تحقیق و تالیف استاد نجیب مایل هروی در «کتاب آرایی در تمدن اسلامی» یکی از سرچشمه‌های سودمند برای یک فهرست نگار در این موضوع باشد و ما تا آنجا که لازم آید برای آشنایی از آن بهره برده و نقل می‌نماییم.

واژه طومار Volumen (Volume) که شکلی از کتاب بوده که گاهی میله‌ای نیز در میان آن بوده که پیچیده در صندوقچه با لوله‌ای می‌گذاشتند که شکل پیشرفته آن ته دوزی شده و بعدها دارای جلد گردیده که در نهایت صورتی از شروع جلدسازی را می‌توان دید.

آورده‌اند: طومار یا طامور این کلمه به معنای نامه و کتاب از باب مجاز است. اما کاغذگران به هیأتی از کاغذ که دارای چند متر کمتر بوده است استفاده می‌کرده‌اند. به طوری که آنها را از جانب طول با دقت تمام به هم می‌چسبانده و پس از کتابت، آن را در می‌نوردیده و در محفظه یا غلافی چرمی، چوبی، فلزی یا پارچه‌ای قرار می‌داده‌اند.[۴۴]

اندازه کتاب‌ها تا نیمه سده ۱۵ میلادی یکنواخت نبود و پس از پیدا شدن چاپ اندازه یکسان گردید.

کاغذ قطع بزرگ اروپا Colombeir نام دارد و اندازه معمولی آن ۶۳×۹۰ می‌باشد. پایین تر از آن Jesus است که در کنار آن نشانه

J.H.S دارد و اختصار نام عیسای پیامبر است. پایین تر از آن Raisin می باشد که نشانه خوشه دارد و به اندازه ۵۰×۶۵ می باشد. پایین تر از آن Carre بود به اندازه ۴۵×۵۶ است. اندازه کتاب ها از این چهار نوع کاغذ بوده است که یک برگ آن را inplano و چهارتایی را infolio و هشت تایی را inquarto و ۱۶ صفحه ای را in-octaro و ۳۲ صفحه ای را in-16 می گفتند.

اما در کاغذ فرنگی، نسخه نویسان سده های یازدهم یا سیزدهم در ایران و هند استفاده کرده اند که خطوط هندی و مهرهای فشاری از مشخصات آشکار آن است.

کاغذ دارای انواع زیادی بوده و بیشتر منسوب به جای ساخت و پرداخت آن می باشد که نزدیک هشتاد و پنج نوع آن را برشمرده اند. اما اسامی که بیشتر در فهرست های نسخه های خطی کتابخانه های مرکزی، ملی، ملک... و دیگر آمده عبارتند از: خانبالیغ (منسوب به شهر خانبالیغ در چین) که در سده های پنجم و ششم بسیار رواج داشت). سمرقندی و خطایی (منسوب به ختاکه چینی هم می خوانند). بخارایی و سپاهانی و دولت آبادی و عادل شاهی و بغدادی و ترکی و مصری و کشمیری و ترمه و فساقی و فرنگی که ذکر آن آمده است که شناخت کاغذ برای فهرست نگار بسیار سودمند است. دکتر بیانی آورده استکه رنگ غالب کاغذهای قدیم به سفیدی بوده است ولی گاهی برای تفنن همان کاغذها رنگ را می کرده و یا احیاناً رنگین می ساخته اند. لذا کاغذها را الوان و رنگارنگ به کبود و رنگاری و ابری و حنائی و کاهی و زراندود و زرافشان و ابری و معرق و مرصع و مُذَهب و آهار مهر شده و نگار شده یا سفید آب و یا متن و حاشیه شده اوصافی است که فهرست نویس باید بیاورد.[45]

جلد کتاب و جلدسازی:

جلدسازی از دیرباز در بازار رواقان رواج داشته است. جلدها از قرون اولیه بیشتر از چرم و گاهی مقوایی در وسط آن جایگزین می کردند. بی شک، جلدسازی نیز چون خط پیشرفت آن برخوردار از تجلید قرآن، و کتاب های مذهبی که احترامی داشته اند بسیار با دقت انجام می شده اند و جلدهای نفیس مزین بازاری داشته است. به جز آن صحافی و مجلد گری هنری بوده است که رونقی داشته است. استاد ایرج افشار از مدح جاحظ و راوندی صاحب راحة‌الصدور و نیز از تاریخ بیهق و نیشابور درباره وراقان و صحافان سخن گفته است.[46] جلد چرمی از نوع ساده بوده که بیشتر رواج داشته است. استاد دانش پژوه در صحافی سنتی نوشته اند: دانشمندان باختری درباره هنر جلد سازی ایرانی و اسلامی کتاب ها و مقاله های نوشته اند که عنوان های آنها را می توان در فهرست ا. ث. کرسول (Creswell) صاحب کتاب A bibliography of the Architecture and carpersofisian در دو مجلد (۱۹۶۱-۱۹۷۳) همچنین در Index Islamics[47] که منابعی از آن یاد شده است نقل دارند و صد تن از جلد سازان را معرفی و یاد می نماید.

دکتر بیانی[48] جلد چرمی را از ساده‌ترین آن می شمارد که رنگ قهوه ای و زرد رنگ و سیاه، رنگ طبیعی آن بوده است. دانش پژوه[49] در تاریخ جلدسازی آورده است: «میرزا حبیب اصفهانی در خط و خطاطان خود می نویسد صحافی از خاندان برمک آغاز شده و تیموریان نیز بدان می نگریستند و در فارس و عراق و خراسان و هندوستان به ویژه کشمیر روایی داشته است» و ابن الندیم که خود از وراقان بوده از این رسته یاد می کند. و مقدسی در احسن التقاسیم می گوید مرا وراق و مجلد می خوانده اند و صحافی می کرده ام و مزد می گرفتم.[50]

این طور که از نوشته ها بر می آید از قرن نهم هجری به بعد پیشرفت و ترقی در جلدسازی را می بینیم نزدیک به چهل تا پنجاه نوع جلد برشمرده اند. که:

ساغری از پوست اسب و خر و دانه دانه است و تیماج از گوسفند درشت و گاهی نازک و چرمی گاهی کلفت میشین پوستی و نرم است و سختیان که پوست بز است و جلد پارچه ای که دفتین آن نوعی پارچه مانند مخمل است.

و جلدهای آراسته: سوخت و ضربی و روغنی که گونه های مختلف از این ها توصیف می نمایند.

جلد سوخت یا سوخته میشینی است که روی آن را نقوش برجسته بسیار دقیقی انداخته گاهی متن را با طلا پوشانیده گل و بوته و نقوش دیگر را برجسته به رنگ اصل چرم بیرون آورده اند و گاهی به عکس. در توصیف آن باید نوشت: «جلد سوخت طلاپوش با نقش ترنج و لچکی حاشیه بند رومی اندرون تیماج تریاکی و نیم ترمج معرق زمینه لاجوردی».

جلد ضربی یا کوبیده آنست که روی چرم قطعه های فلزی منقش مخصوصی انداخته و می گویند و در نتیجه در سطح چرمی اثر نقش فلز می ماند که آن فرو رفته را با طلا می پوشانند و نقوش برجسته که رنگ اصل میشین را دارد ساده و برجسته می ماند. در توصیف این جلدها باید نوشت: «مثلاً، جلد میشین تریاکی ضربی ترنج و سرترنج و لچکی مذهب...».

جلد روغنی: آستری از رنگ ساده کشیده و روی آن نقاشی مینیاتور یا تذهیب یا نوشته ای به خط خوش نگاشته و روی آن را متناوباً با روغن کمان می کشند: که در توصیف آن آوردند: «جلد روغنی بوم مشکی ترنج و نیم ترنج گل و بوته متن عنابی زرک، حاشیه متن قهوه ای گل ریزهٔ نقاشی اندرون بوم سرخ...».[51]

مرکب:
مرکب خوب در نگارش بی‌تاثیر نبوده لذا به صورت یک فن از دیرباز گروهی به یادگیری و نیز درست کردن آن تلاش می‌ورزیدند. مرکب از مواد گوناگون در رنگ‌های متنوعی آماده می‌گردید و سعی بر این بود که چیز تازه‌ای ارائه دهند. قلقشندی آورده است. که دوده را از مواد چرب می‌گرفتند مانند تخم ترب و کتان بدین گونه که روغن این‌ها را در چراغ هایی می‌سوزاندند و دوده آن را که در طاس روی چراغ گرد می‌آمد می‌گرفتند و به آب مورد و انگبین و کافور و صمغ عربی و نمک می‌آمیختند». و نیز می‌گوید: «حِبْر که در فرهنگ‌ها و اصطلاحات کتاب‌شناسی به معنای سیاهی و مرکب دانسته‌اند. قلقشندی نوشته حبر دو گونه است:

الف - حبر برای کاغذ که از دوده می‌سازد.[52]

ب - حبر برای رق یا پوست نازک که آن را «حبرالرأس» گویند و دوده در آن نمی‌ریزند از این رو است که درخشندگی دارد و خیره کننده است و چشم را زیان می‌رساند.

آقای هروی آورده است.[53] بر اثر نمدیدگی و گذشت زمان رنگش تغییر نمی‌کرده. به همین اعتبار است که عالی افندی به خوشنویسان و کاتبان توصیه می‌کند که با حبر بنویسند که اگر قطعات خطوطشان به وصالی نیاز پیدا کرد یا اگر چند لایه کاغذ در زیر آنها چسبانده شد و یا آب به آنها راه یافت آثارشان مخدوش نگردد و خلل نپذیرد. از حبر چند نوع شمرده‌اند.

خط:
فهرست نگار باید با خطوطی آشنا بوده و خطوط رایج در میان مسلمانان در سده‌های چهارم هجری به بعد را بیشتر بشناسد. چرا که تا قرن چهارم هجری خط رایج بین مسلمین «کوفی» و «نسخ» بوده است و از این قرن است که در منابع و مأخذ به تفصیل در خصوص پیشرفت خط سخن بسیار رفته است.

دکتر بیانی آورده است: در قرن چهارم هجری از دو خط مزبور به تدریج شش خط به وجود آمد که به «اقلام سته» معروف گردید و آنها عبارت است: ثلث - محقق - ریحان - نسخ (جدید) - توقیع - رقاع که هر یک برای کتابت مخصوص به کار می‌رفت». تا حدود اواخر قرن هفتم این خطوط متداول ایران بوده است. که پس از آن خط تعلیق برای نوشتن کتاب‌های فارسی و بعد شکسته تعلیق، که در حدود قرن هشتم با خط نستعلیق روبرو می‌شویم».[54]

استاد دانش پژوه آورده است. قلم‌های گوناگون چنین است: قلم طومار یا فَرخه که در زمان عمربن عبدالعزیز یا معاویه بوده است و به اندازه ۲۴ موی شور(بر ذوق) می‌باشد قلم مختصر طومار میان ۱۶ و ۲۴ موی ثلث ثقیل به اندازهٔ موی ۸ موی خفیف کمی نازک‌تر توقیع یا قلم ریاسی ساختهٔ یوسف برادر ابراهیم شجری و نازک‌تر از جلیل که ذوالریاستین از آن خوشش می‌آمد و مانند ثلث است و گردمانند».[55]

رقاع که در رقعه‌ها و برگ‌های کوچک نوشته می‌شد و گردتر و نازک‌تر است.

غبار که از رقاع و نسخه آمده و نازک است.

اصول این قلم‌ها ثلث و رقاع و توقیع و نسخ و مخفف می‌باشد و فروغ آنها غبار است و مشعر و منثور و حواشی جزآن.

این قلم‌ها در آغاز روزگار عباسیان و پایان کار امویان از قلم کوفی در آمده و آن هم به چند قلم است و همه آنها بر می‌گردد به دو ریشه (مقوّرولین) یا نرم و مبسوط و یا بس یا خشک.

دکتر بیانی آورده در تشخیص نوع خط،باید اندازهٔ جلّی و خفی آن را تعیین کرد و برای میزان درشتی و ریزی هر خط اصطلاحاتی است که به ترتیب از بالا به پایین به این قرار است:

شش دانگ - پنج دانگ - چهاردانگ - سه دانگ - دو دانگ - نیم دو دانگ - کتابت جلّی - کتابت - کتابت خفّی - غبار».[56] هر چند که کیفیت هر خط نیز باید مشخص شود. لذا در توصیف خط شایسه است بنویسیم «خط متن نستعلیق کتابت خوش عنوان‌ها بعضی به خط کوفی تزیینی نیم دودانگ عالی و بعضی برقاع دو دانگ متوسط - حواشی به قلم شکسته نستعلیق غبار ممتاز».

یک نسخه خطی گاهی از تزیین برخوردار است در نتیجه فهرست نگار باید با مسائل تزیینی در نسخه خطی کاملاً آشنا باشد تا بتواند به مسئله پی ببرد از هنرهای تزیین تذهیب و ترصیع و تشعیر و تحریر و حلّ‌کاری و افشان و مرکب الوان و عکاسی و قطاعی و پی به جداول هم برده و شرح آن بدهد و از کمند و لوح و سرلوح و ترنج و نیم ترنج. سرترنج و شمسه و لچکی و تزیینات دیگر به خوبی یاد کند. رنگی که بیشتر سرفصل‌ها و نشانه‌ها و عناوین از آن استفاده می‌شده شنگرف است که ذکر نماید. چنانچه به تصاویر بر می‌خورد بنویسد و شمارش نماید. و این نمونه‌ای بود از آنچه فهرست نگار باید دربارهٔ نسخه‌های خطی از هنرها و نقاشی و مجالس و دیگر یاد کند به نوشته اکیموشکین کتاب‌شناس روس «بسیاری از نسخ خطی فارسی، در عین حال اثری هنری و نقاشی به شمار می‌رود».[57] می‌توان برای آشنایی با هر یک از موضوعات به نوشته‌ها و مقالات مراجعه نمود که منابع با ارزشی از کتاب شناسان و فهرست نگاران نیز نوشته شده است.

آنچه در نگارش فهرست نسخ خطی باید بیاید:
تا این جا آورده‌ایم که یک فهرست نگار باید در توصیف یک نسخه، کاغذ، آرایش‌ها و رنگ‌ها و نوع جلد و آرایش آن را شرح نماید و

آنچه که لازمه دانستن این کار بود به کوتاه سخن رفت از متن یک نسخه که بیرون بیاییم باز هم مطالبی است که وصف آن همچون وصف خود نسخه ارزش دارد. لذا باید هم بنویسد که[۵۸]:

حواشی کتاب از خود مولف است یا فرد دیگری نوشته در همان زمان نوشته شده یا بعداً، باید دقت کرد که حاشیه به چه منظوری آمده است، توضیح است، نقد است شرح لغات و یا دیگر باید بیاید.

مطالب کتاب با ذکر امضاهای صریح یا مرموز آخر آنها.

یادداشت‌های آغاز و انجام نسخه یا میانه آن درباره حوادث تاریخی مانند زلزله و سفر و حکومت و زاد و مرگ اشخاص یا آمار جمعیت شهرها و نکات ادبی و شعر یا فهرست کتابخانه‌ها و کتاب‌ها و یا حل رموز برخی از کتاب‌ها یا سرگذشت دانشمندان و سلسله‌ها یا تاریخ شروع و ختم کتاب که همه این‌ها باید در فهرست آمده و اهمیت آن یاد گردد.

اجازات و سماعات و روایات کتاب از مولف و طریق آن و بلاغ مولف یا استاد مشهور که کتاب را نزد او خوانده‌اند با یاد کردن تاریخ آنها و نکات تاریخی که در این اجازه‌ها و سماع‌ها هست. همچنین کسانی که کتاب را در این نسخه خوانده‌اند یا از روی آن نسخه برداشته‌اند باید در فهرست به طور مشروع یاد شود.

نویسنده نسخه که نامش در پایان یا جاهای دیگر آمده است یا این که از روی قراین مانند تطبیق یا گواهی دیگران معلوم می‌شود و به ویژه تعیین می‌گردد که خط مؤلف است یا نه و اگر هم در نسخه نوشته شده که از خود مولف است باید دقت شود که کاتب نقل قول مولف نکرده باشد صورت خط مولف یا کاتب مشهور ناگزیر باید در فهرست بیاید و یا در آخر عکسی و روگرفتی از آن نشان داده شود. مقابله و عراض نسخه‌ها با نسخه‌های دیگران یا نسخهٔ مولف، که در بسیاری از نسخ مورخ است و نشان داده می‌شود که نسخه از کیست و چگونه تهیه شده است.

تملک و خرید و فروش و بخشیدن و وقف نسخه‌ها با تاریخ آن اگر داشته باشد و وصف مهرها و سجل آنها از این جا دانسته می‌شود که نسخه از کجا تهیه شده به کجاها سفر کرده است و برای چه مدرسه یا مزار یا چه کسانی وقف یا اختصاص داده شده است.

گاهی هم مخارج تهیه نسخه به سیاق یا رع رغم و وصف نسخه از رهگذر کتابداری و نسخه‌شناسی با نشان دادن اصطلاحات کتابداری زمان از این گونه یادداشت‌ها به دست می‌آید و یا معین می‌شود که در چه تاریخ هایی نسخه دیده شده و در کتابخانه‌ای که بوده است بازبینی شده است.

اندازه نسخه، تعیین طول و عرض و درازا و پهنا و شماره سطور و فاصله آن، و کلمات سطور و اندازه‌های مشهور از رحلی و وزیری و خشتی رقعی و دیگر که یاد کردیم بیاید.

و شماره نسخه در کتابخانه که نشان از جایگاه آن کتاب در گنجینه است با دقت یاد شود.

در نگارش فهرست دفترها و نسخه‌های خطی که گاهی به آغاز و انجام و نابسامان و بی‌نام و گمنام می‌باشند، فهرست نگار باید از شهواهد تاریخی و قراین که در آن هست، مشابه کتاب یا بخشی از آن در جایی بیاید یا مطالب بعضی از قسمت‌ها به کتابی مشخص نزدیک و عین هم باشد باید به گمانه زنی بپردازد و مقایسه ابواب و موضوعات بنماید.[۵۹] این راهنمایی می‌کند که فهرست نگار باید با اندیشه نویسندگان آشنا باشد با بسیاری از آراء و اندیشه‌ها را بفهمد و بدان آشنایی و تسلط داشته باشد که از فصل و ابواب کتاب و دیباچه نویسنده‌ای به مقصود او ببرد - و دیگر نیاز که بدان می‌رسیم این که با سرچشمه نگارش‌ها آشنا بوده و نیز و باید دیگر فهرست‌ها را بشناسد تا بتواند پی ببرد که از یک نسخه چند تا و در کجا وجود دارد و تاریخ آن به چه زمانی می‌رسد. اکیموسکین دارد که: در تدوین و تالیف کتاب شناسی کامل لازم است فهرست‌های بزرگترین کتابخانه‌های جهان و تالیفات عمومی مربوط به کتاب‌شناسی و همچنین آن چه در این زمینه خاص شرق‌شناسی است مورد مطالعه دقیق قرار گیرد». که در این مورد در پایان سخن می‌رود.[۶۰]

مجموعه‌ها، جنگ‌ها، سفینه‌ها

کاری دیگر که باید فهرست نویس بداند این است که از عهده شناسایی و معرفی، مجموعه‌ها و جنگ‌ها و سفینه‌ها و بیاض‌ها و کشکول‌ها به خوبی برآمده مجموعه‌ها را به طور کامل در یک جا نشان بدهد و رساله‌ها را تجربه نموده و شرح نماید. در شرح رساله‌ها باید همان راهی را برود که در توصیف یک کتاب خطی رفته است از شرح و توضیح کامل آن کوتاهی نورزد. استاد دانش پژوه دارد که: دفتری که در آن مطالب گوناگون بگذارند بیاض و جنگ و جریده و فرقه و دستور و سفینه و کجکول و کشکول و مجموعه نامیده می‌شود. اگر در آن چند رساله یا کتابچه باشد آن را هم مجموعه خوانند. اگر در آن قطعه هایی خط و تصویر و نقش و نگار باشد مرقع و مَرقه درویشان و پاره‌هایست بهم دوخته و مرقع خوانده می‌شود و بیاض آن دفتر را گویند که از پهنا دوخته شده و از درازا باز می‌شود. جنگ وار و مرقع مانند از دیرباز در ایران مرسوم بوده است گویا کهن‌ترین مرقع مجموعه شعر و داستان یا مرقع سلطان رکن الدین ابوطالب طغرل پسر ارسلان سلجوقی (۵۷۱-۵۹۰) خواهد بود که در سال ۵۸۰ ابوالفضل احمد راوندی و جمال نقاش اصفهانی برای او ساخته‌اند».[۶۱] هر چند که در احوال و نیز آثار مرقع نشان بسیار کم کار گردیده ولی برای آشنایی، این تعریف و شرح استاد دانش پژوه در مقاله مرقع سازی و جنگ نویسی در

مقایسه تعاریف آمده هر چند مختصر اما بسیار مفید بوده است که در آن مقاله از نقاشان و مذهبیان و کتابه نویسان و مهندسان تا صدو هفتاد و شش نفر یاد می کند.

آنچه فهرست نگار باید بداند:

آشنایی فهرست نگار به زبان های دیگر ملت ها از اهمیت خاصی برخوردار است. دانستن زبان عربی به عنوان یکی از وسائل کار فهرست نگاری به شمار می آید که در این زمینه مشخصاً این که فهرست نویس و کتاب شناس در هنگام شناسایی و توصیف باید به مقالاتی که در این باره نوشته اند رجوع نماید باید فهرست نسخه های خطی را ببیند و در بررسی و مطابقت یک نسخه عربی بیش از پیش به نیاز آن پی خواهد برد.

سرچشمه های پژوهش در کتاب شناسی و نسخه شناسی که یادگارهای گذشتگان است و به صورت نوشته های تاریخی و گزیده ها و گلچین ها و سرگذشت نگارندگان و یا فهرست ها خواه همگانی و یا شخصی و یا کتابخانه ای و مجلات و روزنامه ها و خرده گیری ها و ستایش ها درباره یک رساله یا دفتر و یا کتاب که در مجلات، روزنامه ها، جشن نامه و یادنامه ها که گفتارگران دربارهٔ کتاب ها و نسخه ها مقاله دارند و گونه هایی که دربارهٔ نگارش های نگارندگان است شناساندن این سرچشمه ها در:

الف - یادگارهای گذشتگان (منابع تاریخی...)

ب - فهرست همگانی، شخصی، کتابخانه ای

ج - فهرست مجلات، روزنامه ها

د - فهرست فرهنگ نامه ها

هـ - فهرست فهرست ها

نوشته های تاریخی که در آن تاریخ فلسفه و دانش و اندیشه های فلسفی، دینی، علمی و ادبی آمده که نمونه آن در تاریخ الاطباء و الحکماء اسحاق بن حنین (در گذشته ۲۹۸) و سیرة الحکما (تاریخ خلفا) محمد بن زکریای رازی و رسائل اخوان الصفا و مروج الذهب مسعودی و هم در التنبیه و الاشراف او و نیز مقدسی در البدء و التاریخ ساخته ۳۵۵ و تاریخ یعقوبی... و مانند آن.[۶۲]

منابعی که همیشه فهرست نگار باید پیش چشم داشته باشد و یا به آسانی بدان دسترسی داشته باشد. از ابوالفرج محمد بن اسحاق رواق ابن ابی یعقوب ندیم ۲۰-۳۸۵ که بنام الفهرست می شناسیم در تاریخ علم و فهرست نگارش های دانشمندان یونانی و اسلامی و ایرانی است که در سال ۱۸۷۱ گوستاو فلوگل (Gustav Flugel) در لیدن و پایان کار توسط Jroediyer و Auyst mueller در لایپزیک (۲-۱۸۷۱) انجام به چاپ رسیده است و در مصر نیز در سال ۱۳۴۸ نشر یافت و در ایران آقای رضا تجدد مازندرانی در ۱۳۵۰ و ۱۳۶۴ و ترجمه فارسی آن را نیز در ۱۳۴۴ و ۱۳۴۶ چاپ نموده است.

بعد باید از فهرست شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) نام برد و فهرست منتجب الدین رازی و رجال ابن داود و رجال نجاشی و الفهرست اشبیلی و نیز از ابن شهر آشوب معالم العلمای او و امل الامل شیخ حر عاملی (۱۱۰۴) لؤلوتی البحرین یوسف بحرانی و کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی (۱۰۰۴-۱۰۶۷) و با ذیل آن و کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار از اعجاز حسین نیشابوری کشوری و تذکرةالنوادر من المخطوطات العربیه هاشم ندوی و به روزگار ما نزدیکتر که هم از دیدگاه کتاب شناسی و هم نسخه شناسی خوبی برخوردار می باشند باید ریاض العلماء و حیاض الفضلاء عبدالله افندی اصفهانی و از بحارالانوار مجلسی و عوالم العلوم عبدالله بحرانی که هر دو از سده یازدهم است یاد کرد.

از ثقةالاسلام تبریزی کتابی به نام مرآت الکتب که به چاپ هم رسیده است از سرگذشت بزرگان و یادگارهای آنان سخن رفته است و یزدی کثنوی صاحب هدایةالاسماء و در سده چهاردهم از مستدک الوسائل محمد حسین نوری باید بهره بسیار گرفت.

و دانشمندان بزرگ جهان تشیع شیخ آقا بزرگ تهرانی از علمای بنام ایران معاصر که در الذریعه الی تصانیف الشیعه که بیست و پنج جلد به چاپ رسیده و استاد احمد منزوی در ادامه کار بزرگ پدر فهرست واره نسخه های خطی فارسی را به یادگار گذاشته همواره باید بدان رجوع داشت.

و دیگر از مرحوم خانبابا مشار فهرست کتاب های چاپی عربی و فارسی و آثار علامه قزوینی و کتاب شناسی های دانشمند و استاد بزرگوار ایرج افشار و فهرست مقالات ایشان که بنام فهرست مقالات فارسی در پنج جلد به چاپ رسیده است باید استفاده فراوان برد. استاد دانش پژوه نوشته اند: سعدبن عبدالله قمی «فهرست کتب ماروا» دارد (فهرست طوسی ش ۳۰۶ ۰ معالم ش ۳۴۹) ابن بابویه در آغاز «من لایحضره الفقیه» از فهرست کتاب های دانشمندان که خود او نوشته است یاد نموده کتاب های ابن بابویه و مفید را هم فهرست بوده است (فهرست طوسی، ش ۶۹۵-۶۹۴) کتاب های سیدمرتضی نیز فهرست داشته (طوسی، ش ۴۲۱ - روضات ص ۳۷۶) و نسخه آن در طول هست (۶۶:۲، ش ۲۱۶) یکی از دانشمندان روزگار کراچکی برای نگارش های او فهرستی سودمند نوشت و نوری در مستدرک (۴۹۷:۳) آن را آورده است. نجاشی در رجال خود (ص ۱۱) از «فهرستات» یاد کرده است در محاسن اصفهان ما فروخی (ص ۸۵-۸۶) و ترجمه آن زا آوی ص ۶۱۳، از فهرست ضبی یاد شده است و فیض کاشانی برای نگارش های خود نوشته که خوانساری در روضات و تنکابنی در

قصص العلما در سرگذشت او از آن بهره برده‌اند. داماد مجلسی دوم فهرست برای نگارش‌های او ساخته خوانساری در روضات از لؤلؤتی البحرین که شاید همان باشد که در فهرست ایوانف نشان داده شده است».[۶۳]

هر فهرست نگار باید به جز آن چه یاد گردیده به طور اختصار موارد زیر را به گونهٔ درست بشناسد.

الف: نگارش‌های دانشمندان که به فهرست درآمده، فهرست نگار باید از آن مطلع و در دسترس داشته باشد.

استاد دانش پژوه در گفتار سرچشمه‌های شناخت شرح و توضیح کاملی از آن دارد و ما به اختصار می‌آوریم:

۱-کار ژرژ عطیه درباره کندی، انگلیسی چاپ راولپندی در ۱۹۶۶.

۲- کارهای اشنایدر به آلمانی در ۱۸۶۹ و ابراهیم مدکور در ۱۹۳۴ و خلیل حر در ۱۹۴۵ هر دو به فرانسه و رشر ۱۹۶۲ به انگلیسی و احمد آتش و مژگان به ترکی و قاضی وردو ۱۹۷۵ به روسی و آل یاسین و کورکیس عواد که گفتاری در فهرست مؤلفات محیی الدین بن العربی (۵۶۰-۶۳۸) دارد و در آن متن و رسالهٔ فهرست این عارف اندلسی که برای نگارش‌های خود ساخته بود، آورده است و کتاب‌های او را هم در این فهرست برشمرده و جای نسخه‌ها را در کتابخانه‌های جهان نشان داده است و شماره کتاب‌های او را به ۲۷۹ رساند (مجله المجمع العلمی العربی دمشق، ش ۳ و ۴، ج ۲۹ س ۱۳۱۷/ ۱۹۵۳، ش ۱ و ۲) محفوظ هم در ۱۹۷۵ و چاوشی به فارسی ۱۹۷۶ همه این‌ها درباره فارابی و همچنین فهرست آقای دکتر محسن مهدی و (استاد دانش پژوه) و آثار استاد دکتر یحیی مهدوی و محسن مهدی و عثمان ارگین و سعید نفیسی درباره ابن سینا در مجله مهر ۱۳۱۶ و پورسینا ۱۳۳۳ و ارگین در استانبول ۱۹۳۷ و قنواتی در قاهره ۱۹۵۰ و عثمان یحیی به فرانسه ۱۹۶۴ درباره ابن العربی نوشته و بوئیژ به فرانسه ۱۹۵۹ و بدوی به عربی ۱۹۶۰ که درباره غزالی نوشته‌اند و فهرست مشایخ درباره نگارش‌های شیخ احمد احسائی نوشته شده و عبدالرحمان بدوی در ۱۹۷۹ درباره ابن خلدون نوشت که در لیبی و تونس چاپ گردیده است.

گونه‌های مختلف فهرست‌ها که از چاپ درآمده به زبان‌های فرانسه و آلمانی و روسی و انگلیسی و فارسی هم داریم جهت آشنایی برای بررسی و تحقیق به شرح زیر می‌آید:

۱- سرگذشت نامه‌های سرایندگان مانند ترجمه اته که توسط دکتر شفق به فارسی هم درآمده است.

۲- فهرست دفترهای پزشکی و تاریخ و ریاضی و فلسفی هم که در فارسی در فرهنگ ایران زمین و دیباچه نزهة‌الارواح شهرزوری از استاد دانش پژوه در دفترهای تاریخ فلسفه آمده است. و فهرست فوناهن (Fonahen) در ۱۹۱۰ برای دفترهای فارسی و فهرست اولمان در ۱۹۷۰ برای دفترهای عربی در پزشکی و ماکس کراوزه در ۱۹۳۲ برای دفترهای ریاضی نوشته‌اند.

۳- فرهنگ نامه‌ها که در مقدمه لغت نامه دهخدا و کار دکتر علینقی منزوی در فرهنگ نامه‌های عربی به فارسی که در ۱۳۳۷ در دانشگاه تهران چاپ گردید بعد آن باید از فرهنگ‌های فارسی دکتر محمد دبیرسیاقی که در سال ۱۳۶۸ چاپ شد نام برد و فهرست فرهنگ‌های عربی دو کتاب داریم یکی های وود (Hay wood) ۱۹۵۶، دومی دکتر حسین انصار المعجم العربی و نیز در مجله آسیایی بنگال ۱۹۶۹ بلوخمن (Blochman).

اما فهرست فهرست‌ها یا کاتالوگوس یا کاتالوگوم، که نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نشریه کتابداری نمونه خوبی از این گونه کار می‌باشد. کتاب شناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا نوشته استاد ایرج افشار که در سال ۱۳۳۷ از چاپ درآمد از منابع بسیار موثر این کار می‌باشد. و فهرست فهرست‌های نسخه‌های خطی عربی که توسط ژرژ وایدا در ۱۹۴۹ نوشته شد باید فهرست نگار ببیند از فهرست خانبابا مشار و آقای بنی آدم در کتاب‌های چاپی عربی و فارسی هم باید یاد شود. فرمان‌ها و دستورها و اسانید و قباله نامه‌ها و مکاتیب - که رنات شیمکورایت ۵۳۷ فرمان و سند روزگار صفوی را نشر داده است.

و نیز یک فهرست نگار باید از فهرست نویسندگان دیگر کشورها به خوبی مطلع و برخی از آنها را در دسترس داشته باشد که از جمله آنها: فرهنگ و ادب فارسی Perisanliterature استوری که دو بخش جلد نخستین آن در ۱۴۴۳ صفحه و جلد دوم تا صفحه ۴۹۹ چاپ شده و حواشی مجلد پیشین آن در آغاز جلد دوم آمده است که توسط استاد اقبال آشتیانی و بخش‌هایی توسط آقای تقی بینش به فارسی درآمده است.[۶۴]

از دیگر نگارش‌ها از کارل بروکلمان و فؤاد سزگین است.

کارل بروکلمان که در تاریخ ادب عربی است که به زبان عربی از آلمانی ترجمه شده است کاری است پرارزش و یک کتاب شناس همواره بدان نیازمند خواهد بود و فؤاد سزگین دانشمند ترک زبان در آلمان کاری شبیه به کارل بروکلمان انجام داده است.

از کار بزرگ سزگین، استاد دانش پژوه در نشریه دانش سال سوم (۱۳۶۲) ۳: ۳؛ و ۴: ۵ سخن گفته است که بسیار سودمند و در آن جا به اختصار به معرفی این اثر پرارزش می‌پردازد و اهمیت کارش را یادآور می‌گردد. و از فهرست کتابخانه‌ای که آشنایی و دسترسی بدان برای فهرست نگار از نیازهای اساسی است. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در ۱۸ مجلد به چاپ رسیده است و فهرست نسخه‌های خطی ملک که جلد سیزدهم آن زیر چاپ می‌باشد و دیگر فهرست نسخه‌های خطی

کتابخانه مجلس و ملی و آستان قدس رضوی و آستانه مقدس قم و کتابخانه آیت الله مرعشی (ره) و ادبیات تهران و حقوق تهران و وزیری یزد و فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نواب و سلیمان خان و میرزا جعفرخان مشهد و این نمونه کتابخانه‌ها و معرفی نسخه‌های خطی آنها در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که کار خوبی است باید حتماً دید و دیگر کار بنیاد الفرقان است که در جلد اول، نشر ۱۹۹۲ بخشی به فهرست کتابخانه های ایران اختصاص یافته است و نیز کار سزگین که ترجمهٔ آن تحت عنوان کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خطی عربی توسط دکتر چنگیز پهلوان ترجمه و چاپ گردید را باید مطالعه کرد.

و تا این جا آوردیم که یک نسخه شناس، کتاب شناس، فهرست نگار باید:

۱- کتاب را بشناسد.

۲- کتابخانه و شرایط آن و اندازه کتاب‌ها و چیدن کتاب‌ها و روش‌های آن را بداند.

۳- با نوشته‌های تاریخی آشنا باشد (آشنایی وسیع با مراجع).

۴-انواع علوم و شاخه‌های آن را بداند و با موضوع‌ها آشنا باشد.

۵-سرچشمه‌های بنیادی نوشته‌های پیشینیان را به خوبی دریابد.

۶- فصول کتاب را باید دریابد.

۷-به زبان دیگر ملت‌ها آشنا باشد و در شناختن و توصیف زبان نسخه‌ها را بشناسد.

۸- باید ارزش علمی و سودمندی یک نسخه را بتواند با ارائه مطالب و مقایسه با دیگر نوشته‌ها بیان دارد.

۹- کتاب‌های نفیس را بشناسد.

۱۰- کاغذ را معرفی نماید و توصیفش کند.

۱۱- خط شناس باشد و با احوال و آثار خوشنویسان و نقاشان آشنا باشد.

۱۲- جلد کتاب را بشناساند.

۱۳- یادداشت‌های کتاب را هم بیاورد (حواشی، سماعات، اجازات، یادداشت‌ها...)

۱۴- و آغاز و انجام نسخه را بیاورد.

۱۵- گمانه زنی، درک مطالب کتاب و مقایسه با نسخه‌ها و مقالات.

۱۶- کاتب را معرفی نماید و محل نگارش نسخه را هم بنویسد.

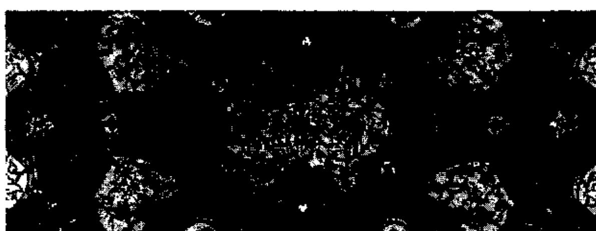
۱۷- در معرفی مرقع و مجموعه‌ها و جنگ‌ها و سفینه‌ها همهٔ رساله‌ها را به تفکیک انجام دهد.

۱۸- به فهرست‌ها دسترسی داشته باشد.

پانوشت‌ها:

۱- دانش پژوه. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۲، بنگرید به لاروس بزرگ سدهٔ بیستم.
۲-ابن الندیم «الفهرست ص ۳۰۷ و قفطی تاریخ الحکما، ص ۱۸ «ان» یجعل کل مرتبة اربعة کتب، یسمی ذلک رابوع».
۳- خزرجی، عیون الانباء، ج اول، ص ۸۵
۴- فهرست دانشگاه، جلد سوم، ص ۶۴۱، ش ۳۱۴.
۵-استرابون «جغرافیا»، ج سوم، ۵-۵۳ و فهرست دانشگاه، ج ۳، ص ۳ آمده. ترجمهٔ فرانسوی Alexispierro چاپ پاریس در ۴ جلد، ج ۲، ص ۶۳۵ و ج ۳، ص ۴۴۶، ج ۴، ص ۱۸۴۳.
۶- دانش پژوه «تاریخ نگاری فلسفه»، ص ۶۶.
۷- خزرجی، عیون الانباء، ص ۱۲۷.
۸- خزرجی، عیون الانباء، ص ۲۷۲.
۹- ابن الندیم، الفهرست، ص ۴۰۵.
۱۰- ابن الندیم، پیشین، ص ۳۱۳.
۱۱- دانش پژوه، فهرست دانشگاه تهران، ج ۳، ص بیست.
۱۲- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص بیست و یکم و نیز بنگرید به تاریخ نگاری فلسفه، ص ۶۶-۷۷.
۱۳- در ص ۲۵ و ۲۶ تاریخ نگاری فلسفه استاد دانش پژوه از جالینوس، فهرست سومی از او به نام پایان الصناعه‌پ‌الصغیره‌پ یاد می کند و به فهرست فؤاد سزگین: ۳:۲۷۰ و ۴۰۵:۵ ارجاع می دهد.
۱۴- دانش پژوه، فهرست تهران، ج۳، ص بیست و یکم. ارجاع استاد دانش پژوه در مورد مطالب یاد شده به کتاب ترجمه از انگلیسی چاپ پاریس با سال ۱۹۵۰، ص ۱۴-۱۶.
Les dbuts de la bibilsgraphie me Thodique The Besterman.
۱۵- مشکویه رازی، جاودان خرد، ترجمه محمد قزوینی، ص ۲۱.
۱۶- ابن الندیم، الفهرست، ص ۲۴.
۱۷- دانش پژوه، سرچشمه شناخت نگارش‌ها «فهرست نگارش‌های عربی سزگین، ترجمه دکتر چنگیز پهلوان «و نیز ابن الندیم، عربی، ص ۲۳۸-۲۴۱).
۱۸- دانش پژوه، تاریخ نگاری فلسفه، ص ۲۴. بنگرید به (ابن الندیم چاپ فلوگل، ص ۱۸۹ و سزگین ۱۷۳:۷).
۱۹- دانش پژوه، تاریخ نگاری فلسفه، ص ۲۴.
۲۰- دانش پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی، ج ۳، ص ۲۲.
۲۱- مقدسی، احسن التقاسیم، چاپ لیدن (۱۹۰۹)، ص ۴۴۹.
۲۲- در برهان قاطع و لسان العرب ابن منظور افریقی و قاموس فیروزآبادی و محیط المحیط و آنندراج و دهخدا و معین و نیز دانش پژوه فهرست کتابخانه مرکزی، ج ۳، ص دو و نجیب مایل هروی در کتاب آرایی، ص ۷۰۷.
۲۳- ابن الندیم الفهرست، ص ۱۳۴، خزرجی در عیون الانباء، ص ۱۲۶-۱۳۴؛ و استاد دانش پژوه در فهرست کتابخانه مرکزی، ج ۳،؛ نجیب مایل هروی، کتاب آرایی، ص ۷۰۷.
۲۴- فهرست نامه کتاب شناسی های ایران، ش اول، ص ۴.
۲۵- همان، ص ۵.
۲۶- فهرست کتابخانه ملی ملک، ج ۲، ص ۷۵، تاریخ الفی به دستور اکبر شاه هندی توسط چند تن تدوین شده است و نیز جلد سیزدهم فهرست نسخه‌های خطی ملک که تحت نظر استاد ایرج افشار و شادروان دانش پژوه و توسط نگارنده این سطور استخراج و تنظیم شده است بخشی از آن به این موضوع اختصاص یافته است.
۲۷- دانش پژوه، راهنمای کتاب. س ۲۱، ش ۳-۴، ص ۲۶۳.

۲۸- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی، ج هفتم، دیباچه، ص ج.
۲۹- دانش پژوه، کتابداری دفتر سوم، ص ۱۹۶ و نیز الدراسات الادبیه دکتر صلاح الدین منجد، ص ۷۶.
۳۰- بنگرید به دکتر بیانی، کتاب شناسی کتاب های خطی، ص ۱۴ و دکتر محسن صبا، اصول و فن کتابداری، ص ۷۴.
۳۱- الخطط، چاپ مصر، ۱۳۷۰، ج اول، ص ۴۰۹ و ۴۸۵ و نیز استاد نجیب مایل هروی در کتاب آرایی، ص ۷۶۲، بنگرید به رشیدالدین فضل الله همدانی، لطائف الحقایق ۲/۱۶-۱۷، یاقوت معجم الادبا، ۳۱۲-۳۱۵.
۳۲- شهید ثانی، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، چاپ ۱۳۰۷، ایران، ص ۷۰.
۳۳- دانش پژوه، فهرست دانشگاه، جلد سوم، ص ۱۷؛ دکتر صبا، اصول و فن کتابداری، ص ۴۹.
۳۴- همان، ص ۵۰.
۳۵- همان، ص ۵۰.
۳۶- دانش پژوه، راهنمای کتاب، سال ۲۱، ش ۳-۴، ص ۲۵۵.
۳۷- بنگرید به: دانش پژوه، فهرست دانشگاه، ج ۳؛ نیز دکتر صبا، اصول فن کتابداری، ص ۵۰.
۳۸- راهنمای کتاب، سال ۲۱، ش ۳-۴ (۱۳۵۷)، ص ۲۵۹.
۳۹- کتاب شناسی کتاب های خطی - انجمن آثار ملی (۱۳۵۳)، ص ۱۳.
۴۰- دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی، ج ۳، ص ۲۱. بنگرید به: ابن الندیم، الفهرست، ص ۲۲؛ کردعلی، الخطط الشام، ج ۶ ص ۱۸۵؛ فرهنگ تاریخ (پاریس ۱۸۴۵) واژه .Papier
۴۱- ابن الندیم، الفهرست، چاپ عربی آقای تمدن، ص ۲۲؛ دانش پژوه، فهرست دانشگاه، ج ۳، ص ۳-۴.
۴۲- بنگرید به ایرانشهر، انتشارات دانشگاه تهران، ج اول، ص ۷۴۵؛ نجیب مایل هروی، کتاب آرایی، ص ۷۳۷.
۴۳- بنگرید به: قلقشندی صبح الاعشی، ج ۲، ص ۴۷۲-۴۷۷ و ج ۳، ص ۱۳۲ و ۱۵ و ۱۸ و ج ۶، ص ۹۶ و ۱۸۹؛ وضوءالصبح المسفر، ص ۴-۱۸۳ و ۷-۴۱۲. قابوس نامه، ۴۷۵؛ در عیون الانباء، ج ۱، ص ۱۹۷.
۴۴- دانش پژوه، فهرست دانشگاه، ص ۷؛ نجیب مایل هروی، کتاب آرایی، ص ۷۳۶.
۴۵- بنگرید به: کتاب آرایی استاد نجیب مایل هروی، ص ۷۵۸-۷۳۶؛ دکتر بیانی کتاب شناسی کتاب های خطی، ص ۲۰؛ دانش پژوه، فهرست دانشگاه تهران، ج ۱۳، ص ۱۴؛ راهنمای کتاب، س ۲۱، ش ۳-۴، ص ۲۶۰.
۴۶- افشار، صحافی سنتی، ص ۷۹.
۴۷- اندکس اسلامی کوس ساخته و پرداخته پیرسن که از ۱۹۵۸ به چاپ رسیده است.
۴۸- بیانی، کتاب شناسی کتاب های خطی، ص ۳۸.
۴۹- تاریخ جلدسازی و صحافی سنتی، ص ۶۴-۶۰.
۵۰- افشار، صحافی سنتی، ص ۷۸-۷۷؛ صبح الاعشی، ج ۲، ص ۴۶۲.
۵۱- بنگرید به: بیانی، کتاب شناسی کتاب های خطی، ص ۳۷ به بعد؛ نجیب مایل هروی، کتاب آرایی، ص ۶۳۷
۵۲- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۶، ص ۶-۴۶۴.
۵۳- نجیب مایل هروی، کتاب آرایی در تمدن اسلامی، ص ۶۲۲
-بنگرید به جامع المحاسن، محمدبن حسن الطیبی، دکتر صلاح الدین المنجد، سال ۱۹۶۲، بیروت؛ طاشکبری زاده، مفتاح السعادهپ و مصباح السیادهپ، چاپ دکن ج ۳، جلد اول، ۸۴-۷۶، ج ۲: ۲۲۴-۲۲۷؛ کردعلی، خطط الشام؛ در نفایس الفنون فی عرائیس العیون شمس الدین بن محمد بن محمود آملی جلد اول، ص ۲۲-۲۸ چاپ تهران ۱۳۳۸ تصحیح اشرفی، صبح الاعشی قلقشندی و احوال و آثار خوشنویسان، دکتر بیانی در ۳ جلد، چاپخانه اسلامیه تهران و نیز تحفة المحبیین، سراج شیرازی و حبیب الله فضائلی از ص ۲۳۰ به بعد در اطلس خط انجمن آثار ملی، اصفهان (۱۳۵۰) و هم در ایرانشهر، ج اول، ص ۷۶۷ سخن گفته شده است.
۵۴- بیانی، کتاب شناسی، ص ۲۱ و ایرانشهر، ج ۱، ۷۶۷.
۵۵- دانش پژوه، فهرست دانشگاه، ۳،۶، ص ۲۲.
۵۶- بیانی، کتاب شناسی، ص ۵۰.
۵۷- مأخذ کتاب نشاسی نسخ خطی، ترجمه کریم کشاورز، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر سوم، ص ۲۸۱.
۵۸- در نسخه شناسی بنگرید به: دانش پژوه، نشریه کتابداری کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۳، ص ۱۹۲-۲۰۰؛ راهنمای کتاب سال ۲۱، ش ۳-۴ (صص ۲۴۰-۲۸۱).
۵۹- استاد دانش پژوه در هنگام معرفی یک نسخه، از فهرست بیشتر کتابخانه های جهان که در دسترس ایشان بود استفاده می کرد و در هنگام معرفی کتاب از موضوعی که در آن کتاب سخن می رفت، از بسیاری از دانشمندان و نگارش های آنها و دفترهایشان که بهم مرتبط بود و یا در لابلای دفترهای دیگر همانند آن بود، یاد رکد.
۶۰- اکیموشکین، مأخذشناسی نسخ خطی، نشریه کتابخانه مرکزی، ج ۳.
۶۱- فرخنده، پیام. مرقع و جنگ نویسی، دانشگاه مشهد، ۱۳۶۰، ص ۱۴۸-۲۲۹.
۶۲- بنگرید به: تاریخ نگاری فلسفه استاد دانش پژوه، ص ۸۶ به بعد.
۶۳- فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد پنجم (دیباچه) و در جلد دوازدهم فهرست نسخه های خطی ملک، ص ۱۵۱ و ۳۴۱ چند فهرست نشان داده است منجمله فهرست کتب کتابخانه صدرالدین قونوی و فهرست کتاب های زیدی و فهرست مصنفات فیض کاشانی و فهرست کتب ارزنده در رد صوفیه فهرست نگارش های مجلسی دوم و فهرست حدائق الانوار فخر رازی و در نسخه های سپهسالار از فهرستی بر کتاب های مجلسی آمده، ش ۸۱۶۹/۲ و فهرست فیض کاشانی بر آثار خود دانشگاه، ش ۲۰۹۹/۱ و ذریعه ۳۸:۷.
۶۴- به نقل از استاد دانش پژوه، اقبال آشتیانی بنگرید به نسخه شماره ۸۶۶۴/۸ و ۵۴۳۲/۸ دانشگاه تهران و تقی بینش در جلد ادبیات مشهد سال های ۳-۸ «تذکرة الشعراء».



فهرست منابع

۱-احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، محمد بن احمد مقدسی المعروف بالبشاری، لیدن (۱۹۰۹)
۲-احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، محمد علی کریم زاده تبریزی، ۳ ج، لندن (۱۹۹۰)
۳-اصول و فن کتابداری، دکتر محسن صبا، انتشارات دانشگاه تهران، ش ۱۸۲، تهران (۱۳۳۲)
۴-اطلس خط، حبیب الله فضائلی، انجمن آثار ملی اصفهان (۱۳۵۰)
۵-ایرانشهر، نشریه شماره ۲۲ یونسکو، دانشگاه تهران (۱۳۴۲-۱۹۶۳م)
۶-تاریخ الحکماء، جمال الدین ابی الحسن علی بن یوسف القفطی، لینویک (۱۳۲۰ق)
۷-تاریخ نگاری فلسفه، محمدتقی دانش پژوه، انتشارات علمی و فرهنگی تهران (۱۳۶۵)
۸-تحفة المحبین، یعقوب بن حسن شیرازی، به اشراف محمد تقی دانش پژوه و به کوشش کرامت رضا حسینی و ایرج افشار، نشر میراث مکتوب (تهران ۱۳۷۶)
۹-تعلیم خط، حبیب الله فضائلی، انتشارات سروش (۱۳۶۰)
۱۰-جامع المحاسن، محمدبن حسن الطیبی، دکتر صلاح الدین منجد، بیروت (۱۹۶۲)
۱۱-جاویدان خرد (ترجمه)، مشکویه رازی، ترجمه شرف الدین عثمان بن محمد قزوینی؛ به کوشش محمد تقی دانش پژوه، دانشگاه تهران (۱۳۵۹)
۱۲-خدمتگزاران عالم کتاب و برخی کتابخانه‌های عمومی و خصوصی، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش تهران (۱۳۴۵)
۱۳-راهنمای کتاب، «گفتگو با محمد تقی دانش پژوه» ش ۳-۴، سال ۲۱ (۱۳۵۷) ص ۲۴۰-۲۸۱.
۱۴-روش بررسی و تصحیح نسخه‌های خطی، دکتر صلاح الدین منجد (لبنان) ش ۱ و ۲، سال ۶.
۱۵-صحافی سنتی، گردآورنده ایرج افشار، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
۱۶-فرخنده پیام (یادگارنامه دکتر غلامحسین یوسفی) انتشارات دانشگاه مشهد، ش ۷۴ - مشهد بهمن ۱۳۵۹.
۱۷-فرهنگ نامه‌ها،
لغت نامه دهخدا - معین - برهان قاطع - محیط المحیط - لسان العرب - قاموس - لاروس بزرگ قرن بیستم
۱۸-الفهرست، ابن الندیم. رضا تجدد مازندرانی. ابن سینا، تهران، ۱۳۵۰.
۱۹-فهرست کتابخانه سپهسالار. محمدتقی دانش پژوه و علینقی منزوی، انجمن ایرانی فلسفه و علوم.
۲۰-فهرست کتابخانه مجلس، محمدتقی دانش پژوه و بهاءالدین علمی انواری. تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۹)
۲۱-فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. خانبابا مشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران (۱۳۴۲)
۲۲-فهرست مولفین کتب چاپی فارسی و عربی خانبابا مشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران (۱۳۴۰)
۲۳-فهرست مقالات فارسی، ایرج افشار. شرکت سهامی کتاب‌های جیبی. ۵ جلد، تهران ۱۳۴۶-۱۳۷۵.
۲۴-فهرست نامه کتاب شناسی های ایران، ایرج افشار، دانشگاه تهران (۱۳۴۲)
۲۵-فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی، دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران (ش ۱۰۹۶)
۲۶-کتاب آرایی در تمدن اسلامی، نجیب مایل هروی، انتشارات آستان قدس مشهد (۱۳۷۲)
۲۷-کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان، فؤاد سزگین، ترجمه دکتر چنگیز پهلوان، تهران (۱۳۶۶)
۲۸-کتابداری (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) زیر نظر ایرج افشار.
۲۹-کتاب‌شناسی کتاب‌های خطی، دکتر مهدی بیانی، به کوشش محبوبی اردکانی، تهران، انجمن آثار ملی (۱۰۰۴)
۳۰-گلستان هنر قاضی احمد قمی، احمد سهیلی خوانساری کتابخانه منوچهری تهران، ۱۳۵۱.
۳۱-نفایس الفنون فی عرائس العیون، محمدبن محمود آملی، تصحیح شعرانی اسلامیه. تهران (۱۳۳۸)

